

ای بنده زبندۀ آستان مقدّس خبر وحشت اثر فوت آن کنیز عزیز الهی بانجن رحمانی رسید ...

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "کتابخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی
- شماره ۲۵۲

بمبائی

جناب جمشید خداداد علیه بهاء الله

هو الله

ای بنده زبندۀ آستان مقدّس خبر وحشت اثر فوت آن کنیز عزیز الهی بانجن رحمانی رسید جمیع یاران الهی چه از نسا و چه از رجال بینهایت محزون و دلخون گشتند و متأسّف و متحسّر شدند که چنین مصیبتی بر شما وارد و چنین ماتی حاصل بقسمیکه کل در این حزن و اندوه شریک و سهیم گشتند و جمیع متضرّع بملکوت ربّ رحیم که آن امة الله را بملکوت تقدیس درآرد و آن منجذبۀ الی الله را بجفل تجلّی فائز فرماید و صبر جمیل بآن سرگشته صحرای محبّت الله عنایت فرماید هرچند حسرت این حزن و غم شدید است و وحشت این ماتم سریع التّأثیر ولی باید نظر بخاتمة الحیات نمود که الحمد لله فاتحة اللطاف بود آن نفس زکیّه در نهایت محبّت و انجذاب و استقامت در امر ربّ الارباب و ثبوت بر عهد و پیمان صعود بجهان یزدان نمود مانند پروانه حول سراج الهی پرواز کرد تا جان و جانرا فدای شمع جانان نمود این موت و فوت نه بلکه وصول جان مشتاق بخلوتگاه دلبر آفاقست و ورود تشنه جانسوخته بر شاطی بحر فرات آن مرغ سحر بگلشن جانپرو پرواز نمود و آن اسیر زندان بایوان یزدان شتافت آشفته مهجور بفیض حضور فائز گشت و اسیر فراق بمرکز اشراق رجوع نمود لهذا باید نهایت صبر و تحمل را بنمائید و از تعزیت عبدالبهاء تسلی و سکون جوئید و همچو بدانی که این فرقت منتهی بملاقات ابدی خواهد گشت و این دوری عاقبت وصلت دائمی خواهد داشت باید نظر پایان نمود و فکر در ملکوت یزدان کرد و علیک التّحیّة و الثّناء

یزدان مهربانا این کنیز عزیز وله انگیز بود و باعقل و تمیز مشتاق دیدار بود و آرزوی آندیار مینمود و با چشمی اشکار توجّه بملکوت اسرار داشت بسا شبها که مشغول براز و نیاز بود و بسا روزها پیاد تو همدم و دمساز هیچ صبحی غافل نبود و



ORIGINAL

هیچ شامی آفل نگشت مانند مرغ خوش‌آهنگ هر دم بتلاوت الواح و آیات مشغول بود و بمثابه آئینه آرزوی نور تجلی
مینمود ای آمرزگار این هوشیار را ببارگاه بزرگواری خویش راه ده و این مرغ دست‌آموز را بحدیقه بقا پرواز بخش این
مشتاق پراحتراقرا بوثاق وصال داخل کن و این آشفته پریشانرا از حرمان نجات بخش و بایوان رحمن درآرای پروردگار
هرچند گنه کاریم توئی آمرزگار هرچند غریق بحر عصیانیم توئی خداوند مهربان عفو قصور فرما و مغفرت موفور بنما فیض
حضور بخش و صهای سرور بنوشان ما اسیر خطائیم و تو امیر عطا ما غریق معصیتیم و تو خداوند رحمت کبری هرچه
هستیم منسوب بآستان توئیم و هرچه باشیم مقیم درگاه تو توئی بخشنده و درخشنده و پاینده و مهربان و توئی کریم و رحیم و
عظیم الاحسان و کثیر الغفران انک انت التّوّاب یا ربّ الارباب ع